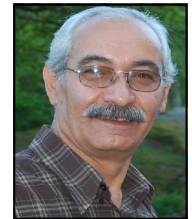


مریوان یکبار دیگر در خشید



عبدال گلپریان

مبنی بر دست بکار شدن برای مرمت و قابل استفاده کردن این جاده در سطح استاندارد اقدام نکنند، روز پنجشنبه ۱۵ مهر ساعت ۱۶ جاده را خواهند بست و از عبور و مرور تانکرها جلوگیری خواهند کرد.

”بهره عارفی“ یکی از فعالان این کمپین روز سه شنبه در مصاحبه ای با یکی از کانالهای تلویزیونی کردی زبان در کردستان عراق اعلام کرد که: در مدت سه ساعت بیش از پنج هزار امضا جمع آوری شده است. او همچنین گفت: فعالان کمپین اعتراضی به وضعیت جاده مریوان از مغازه داران شهر خواسته اند که روز پنجشنبه ۱۵ مهر در اعتراض به وضعیت جاده مریوان مغازه های خود را تعطیل کرده و دست به اعتصاب عمومی بزنند. بهره عارفی به این موضوع نیز اشاره کرد که راننده گان خودروهای شخصی بخاطر دور ماندن از هر گونه واقعه مرگباری عموماً ناچار به سبقت گرفتن از تانکرها میشوند اما پلیس راه مسیری سنندج مریوان آنان را جریمه میکند. او افزود، با هزینه جریمه هایی که تا کنون پلیس راه از راننده گان خودروها گرفته است براحتی میشد جاده را مرمت کرد.

مسیر جاده مریوان سنندج مسیری عبور و مرور تانکرها و نفتکش است که از کردستان عراق و

صفحه ۸

روز سه شنبه مردم مبارز شهر مریوان همراه با فعالین کمپین اعتراضی به وضعیت نابسامان جاده مریوان و با حمایت و شرکت مردم شهرکها و روستاهای اطراف این شهر دست به تظاهرات و تجمع اعتراضی زدند.

خواست مردم در این حرکت اعتراضی شیر فهم کردن مقامات و مسئولان حکومت نسبت به جاده مریوان سنندج و جاده مسیر مریوان سقز است که به قتلگاه مسافران تبدیل شده است. جاده ای که مسیر عبور و مرور تانکرها و نفتکش، تانکرها و دیگر مواد سوختی و شیمیایی که بعلت غیر استاندارد بودن و بدلیل لاقیدی و بی توجهی و بی لیاقتی کاربدستان حکومت اسلامی در این شهر قابل استفاده برای تردد اتوموبیلها نیست.

مردم در تجمع اعتراضی و راهپیمایی روز سه شنبه خود خواهان برکناری فرماندار این شهر شدند و اعلام کردند اگر به خواست آنها

مبارزه مردم مریوان ادامه دارد!
فراخوان به اعتصاب عمومی، پنجشنبه ۱۵ مهر

صفحه ۲

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری



حزب دمکرات کردستان ایران جز این چاره ای دیگر ندارد!

صفحه ۲

عبدال گلپریان

مردم مریوان دست به راهپیمایی زدند
تا کی مرگ در جاده ها. دیگر بس است!

صفحه ۳

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

فقط ۷ درصد از بیکاران کشور بیمه بیکاری می گیرند

صفحه ۵

نسان نودینیان

صفحه ۶

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران
به مناسبت روز جهانی معلم
۵ اکتبر روز جهانی معلم را با یاد فرزاد کمانگر عزیز و
برای دستیابی به خواست های انسانی مان گرامی میداریم

صفحه ۶

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران
پیرامون رد اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده در دیوان عالی کشور

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته
از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

صفحه ۷

یادداشت های هفته

صفحه ۸

عبدال گلپریان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب دمکرات کردستان ایران جز این چاره ای دیگر ندارد!

در دست دولتهای منطقه باشند. حزب دمکرات کردستان ایران جز این چاره ای دیگر ندارد.

عبدل گلپریان

۲۸ سپتامبر ۲۰۱۶

.....

واکنشهای مختلف به نوشته فوق

مه لوی قدیل: "جام زهر را باید رهبران تروریستی و نوکرفستانشان بنوشند نه دمکرات قهرمان"

سهراب کریمی: "تاریخ چپ به غیر از این نیست که از همان ابتدا خونریزیهای چون لنین و استالین به نام انسانیت و به کام توتالیتریزم خون میلیونها انسان را ریختند تا به قول خودشان به انقلاب سرخ جامه عمل ببوشانند. این جماعت تسماح سرشت ابتدا برای فقر و بیچارگی کارگران و طبقه فرودست اشک می ریزند اما هنگام قبضه قدرت میلیونها کارگر و طبقه بینوا را با بی رحمتترین شیوه قتل عام کردند و میلیونها کارگر از گرسنگی و سرما در سبیری به کام مرگ کشاندند این تراژدی در چین کامبوج کویا کره شمالی تکرار شد در ایران توده‌های ها و چریکها در نزدیکی به خمینی در حال سبقت گیری بودند و هزاران نفر از مخالفین خمینی را از راست و چپ به جوخه‌های ترور خمینی لو دادند در کردستان هم از همان ابتدا با سیاستی تک بعدی و آماتور دنکیشوت وار به هر جریانی که دنیا را از دریاچه مارکسیست استالینیستی نمیدید بر چسپ می زند و رجز خوانی برای جنگ می کردند حال فسیلهای ورشکستهی آن جریان از در استیصال چیزهای را می گویند که تنها به رجزخوانی ملاحای مرتجع شبیه است که هر روز وعده نابودی دول رقیب را سر می دهند."

کیوان درودی: "آقای گلپریان غیر از کتابهای مارکسیستی کتابهای بیشتر مطالعه کن، لطفاً!"

فرهیسک کریمی کردستانی: "برو دهانت ببند حزب دمکرات پولیوتی نیست دور کعبه کردن ما از نو کری سهندیهای بی بند بار

خمینی، از تعرض نظامی به سازمانهای سیاسی چپ و محبوب در کردستان گرفته تا رجعت به قوم گرایی و توهین و اهانت سیستماتیک به زنان در صفوف خود که توهین و تعرض مردسالارانه به همه زنان نیز هست، همه و همه نشاندهنده چرخیدن درب این حزب بر همین پاشنه از ابتدا تا به امروز بوده است. حزب دمکرات کردستان ایران اکنون دیگر حتی حزبی ناسیونالیست بمعنای کلاسیک کلمه هم نیست. در حالیکه احزاب حاکم بر کردستان عراق با رفع ستم ملی، مورد تنفر، انزجار و خشم عمومی مردم برای بزیر کشیده شدن قرار گرفته اند، حزب دمکرات کردستان ایران دریافته است که کپی بارزانی و طالبانی در کردستان ایران جزو محالات است و برای جا باز کردن در شکافهای منطقه و با سنت و فرهنگ قومی اسلامی در دامن شیوخ عربستان، میکوشد پایان غم انگیز تاریخ خود را در این صف سپری کند.

تاریخ این حزب، افق و اهداف به بن بست رسیده اش بویژه با کارنامه ای که بارزانی و طالبانی بعنوان نیروهای هم جنبش و هم جنس این حزب از خود به ثبت رسانیده اند، اکنون دیگر این حزب موضوعیت خود در تحولات سیاسی و اجتماعی کردستان ایران را تمام شده میدانند. در بدترین حالت شاید در بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی توسط انقلاب مردم، این حزب برای جنبش های اجتماعی رادیکال، چپ و انسانی بخواهد مزاحمت ایجاد کند اما درس عبرتی که چپ جامعه نزدیک به چهار دهه قبل به مکتب قرآن مفتی زاده داد درس و یادآوری خوبی برای حزب دمکرات کردستان ایران نیز خواهد بود.

درعالم خیال حکومت اقلیم کردستان عراق بهترین الگو برای حزب دمکرات کردستان و دیگر جریانات قومی بشمار میرفت که همین الگو فعلا در معرض ریزش از سوی مردم کردستان عراق قرار گرفته است. مردم کردستان ایران اما با تاریخ و پیشینه چپ و رشد گسترده آرمان و آرزوهای انسانی خود در عصر حاضر، تنها میتوانند شاهد پایان این جریان بعنوان چماقی

یک توضیح کوتاه

نوشته ای که ملاحظه میکنید بتاريخ جمعه ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۶ ابتدا بصورت کامنتی در فیسبوک شخصی من و سپس در سایت و صفحه فیسبوک زاگرس پست منتشر شد. از آنجا که استقبال و همچنین واکنشهایی از سوی برخی از طرفداران حدکا را بویژه در صفحه فیسبوک زاگرس پست با خود به همراه داشت، آنرا همراه با اظهار نظرها در برخورد به آن در اختیار علاقمندان میگنارم.

این را هم باید اضافه کرد که نوشته فوق در صفحه فیسبوک زاگرس پست شش بار به اشتراک گذاشته شده، ۴۴ نفر بازدید کننده آنرا لایک زده و خواننده گان زیادی آنرا مطالعه و نه آنرا تایید یا رد کرده اند. همچنین در صفحه فیسبوک بهرام فتاحی ۵۴ لایک زده شده و در صفحه شخصی من نیز با ۱۷ مورد لایک و ۹ مورد اشتراک گذاری مواجه شده که هر کدام از آنها نیز اظهار نظرات و لایک و اشتراک گذارهای دیگر با کامنتهای یک جمله ای موافق و مخالف را با خود به همراه داشته است. در صورت تمایل میتوانیید مطلب و اظهار نظرهای حول آنرا مطالعه کنید. با تشکر

عبدل گلپریان

.....

حزب دمکرات کردستان ایران جز این چاره ای دیگر ندارد!

نقد و افشای ماهیت حزب دمکرات کردستان ایران، اینکه اسلامگرایی را پیشه کرده و اعیاد مذهبی را گرامی میدارد، اینکه کادر و عضوش بدور مکه میچرخند و عربستان را "آزاد ترین کشور دنیا" معرفی میکنند و بالاخره اینکه این حزب در تحولات منطقه در صف عربستان و اسرائیل قرار گرفته است، همگی به این خاطر است که دیگر این حزب در تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و طبقاتی ایران و کردستان معنا و ضرورت وجودی خود را سالها است که از دست داده است.

از مقطع جمهوری مهاباد، که با ملغمه ای از شیوخ، ملا، ملاکین و خانها و ناسیونالیسم واسط قرن ۲۱ شناخته شد گرفته تا پیام لبیک به

مبارزه مردم میروان ادامه دارد! فراخوان به اعتصاب عمومی، پنجشنبه ۱۵ مهر

«کمپین اعتراضی به وضعیت جاده میروان» از مغازه داران درخواست کرده است که در اعتراض به وعده های پوچ مسئولان و در اعتراض به نامناسب بودن جاده میروان سنجند که به قتلگاه مسافران و آلوده کردن آب آشامیدنی و محیط زیست تبدیل شده است، روز پنجشنبه اقدام به بستن مغازه ها نمایند.

«کمپین اعتراضی به وضعیت جاده میروان» از مغازه داران درخواست کرده است که در اعتراض به وعده های پوچ مسئولان و در اعتراض به نامناسب بودن جاده میروان سنجند که به قتلگاه مسافران و آلوده کردن آب آشامیدنی و محیط زیست تبدیل شده است، روز پنجشنبه اقدام به بستن مغازه ها نمایند.

مردم عزیز شهر میروان با درود به شما که بار دیگر با حضور خود نشان دادید که در مقابل وضعیت و اتفاقات جامعه سکوت نمی کنید و تا دستیابی به حقوق بر حق خود به اعتراض و مبارزه ادامه خواهید داد. با اعتراض به وضعیت خطرناک جاده سنجند- میروان و تا دستیابی به خواسته بر حق خود به اعتراض ادامه خواهیم داد و در این راستا از مردم عزیز شهر میروان و روستاهای اطراف این شهر خواستاریم که در روز پنج شنبه ۱۵ مهرماه راس ساعت ۱۶ در میدان بیسارانی تجمع کنیم از کسبه و بازاریان عزیز نیز درخواست میکنیم که به نشان اعتراض بعد از ظهر روز پنج شنبه اعتصاب کرده و مغازه های خود را ببندند.

مردم شهر میروان، شهرکها و روستاهای اطراف با احساس مسئولیت در قبال جان شهروندان، با احساس مسئولیت در قبال آب آشامیدنی سالم و حفاظت از محیط زیست روز سه شنبه ۱۳ مهر ماه دست به تظاهرات و تجمعات اعتراضی زدند. فرماندار میروان همچون دیگر مقامات مرتجع و مفتخور نظام اسلامی تلاش کرد با وعده و

کمپینه کردستان حزب کمونیست کارگری همصدا با «کمپین اعتراضی به وضعیت جاده میروان» از کارگران، از مغازه داران و از همه مردم میروان میخواهد که به فراخوان کمپین اعتراضی به وضعیت جاده میروان پاسخ مثبت بدهند و روز پنجشنبه ۱۵ مهر ماه دست به اعتصاب عمومی بزنند. کمیته کردستان حزب همچنین از مردم مبارز شهر سنجند و مردم شهرهای دیگر میخواهد که به اشکال مختلف، با تجمع، با امضای تومار اعتراضی و با ابتکارات مختلف از حرکت اعتراضی مردم میروان حمایت کنند.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری

۱۳ مهر ۹۵

۴ اکتبر ۲۰۱۶

کارهیشان برات مهمه آگه ازبین رفته چرا مینویسی تو ترسی در دل داری که اینجوری داری تبلیغات میکنی

خویره

برهان رشیدی: "آگه به گفته شما اینقدر ضعیف است و نمیتواند هیچ کاری بکند دیگه چرا اخبار و

از صفحه ۲ حزب دمکرات کردستان...

ننگ و نفرت چیز دیگری به ارمنان نمی آورد.

کجای این عراق می باشد. این است سیاست مصلحت جو یانه ی حزب دمکرات کردستان ایران و سایر احزاب فدرالی خواه کردستان ایران بخاطر دولتهای کلانی که در خواب هم نمی دیدند که از طرف احزاب برادر در کردستان عراق دریافت می دارند

جمشید ایرانی سپهر: "اگر این

چمدانهای دلار قطع شود این احزاب به افسانه تبدیل می شوند. تا امروز این چمدانهای این احزاب را سر یا ننگ داشته بود. حال می بینیم خود عربستان نیز دچار لرزش های جان کاه شده و شاید بزودی از هر سو فرو ریزد. مردم کردستان ما نیز نیک به این حقایق پی برده اند و عمرا سرنوشت خود را در دست اینگونه احزاب وابسته قرار نمی دهند

مردم کردستان نیک می دانند از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب ایران با این حکومت مشکل دارند و مختص کوردستان و بلوچستان نیست بلکه بزودی هم گرفتار است خراسانی هم مدرسه ندارد خوزستانی که نفت زیر پایش را غارت می کنند نیز به اندازه کرمانشاه با مشکلات دست و پنجه نرم می کنند. آنها می دانند که راه عاقلانه این است که همصدا و همگام دیگر نقاط ایران باید گام بردارند تا نتیجه مطلوب بدست آورند و با دیگر هم میهنانشان آینده ای بهتر را رقم بزنند

آمانج صلواتی: "جز این چاره

ای دیگر ندارد دورد براقا عبیل"

هیوا اسکندری: زاکروس

پوستیش خریکه دهبیته دیار و نادیاریک. (زاکروس پست هم دارد به پیدا و نا پیدا تبدیل میشود)

اقبال شادی: "کاک عبدول

ختای خوی نیه توانی له کهریلا هاتونونهتوه فکری وایان پی داوه (عبدل تقصیر از خودشان نیست آنان که از کرپا بیرون آمده اند اینگونه افکاری بهشادن داده شده)

جواد ریاحی: "دقیقا در صفوف

عربستان سعودی قرار گرفتن جز

اقبال شادی: "اگه از منظر کوردی به مسئله نگاه کنی هیچ ایرادی ندارد مگه از منظر صفوی به مسئله نگاه کنی که منطری بس زشت و ناپسند و باعث ننگ برای بشریت میباشد"

.....

پاسخ من به بعضی از واکنشها:

گلپریان: با درود به دوستانی که نوشته من تحت عنوان "حزب دمکرات کردستان ایران جز این چاره ای دیگر ندارد" را پسندیدند و به اشتراك گذاشته اند. همچنین ممنون از کسانی که علیه آن اظهار نظر کرده اند. اما و متاسفانه اظهار نظر مخالفین نه بحث بود و نه اظهار نظر سیاسی روشن بلکه مجموعه ای از ناسازگویی را که تنها ویژه حزب دمکرات کردستان ایران است را مشاهده کردم. این دوستان بهتر بود بجای ناسازگویی و عصبانیت، چهار کلمه بطور مستدل در نقد و رد نوشته من را بیان میکردند. رجعت مجدد به واژه هایی چون "پولیوت"، همان فرهنگ و سنتی است که سی و چند سال پیش حدکا با همین ادبیات به کمونیستها حمله کرد و بروی آنان اسلحه کشید.

و اما در مورد آنچه که من در این مطلب نوشتم گویای حقیقتی است که اعضای حزب دمکرات مایل به قبول و پذیرفتن آن نیستند. مسئله این نیست که در چندین سال گذشته چه تعداد انسان در صفوف این حزب جان خود را از دست داده اند، مسئله این است که این انسانهای شریف و زحمتکش در صفوف این حزب دانسته یا ندانسته در خدمت به کلام اهداف و سیاستها قربانی شدند.

نوشته من نوشته ای شخصی و در تقابل با فرد یا افراد معینی نیست بلکه در نقد سیاستهایی است که امثال قاسملو، شرفکندی و غیره را به قربانگاه رژیم جنایت پیشه اسلامی کشاند.

همین سیاستها امروز نیز با چنین رویکردی و دست به دامن شدن کثیف ترین حکومت منطقه ادعا میکند که گویا میخواهد به مردم کردستان ایران خدمت کند. نوشته

مردم میروان دست به راهپیمایی زدند تا کی مرگ در جاده ها. دیگر بس است!

صبح روز سه شنبه ۱۳ مهرماه مردم میروان دست به تظاهرات زدند تا اعتراض خود را به بی توجهی ارگان ها و مقامات حکومت و به ناامنی جاده ها اعلام کنند. مردم اعلام کردند تا کی باید شاهد داغ عزیزانشان در جاده های ناامن شوند. دیگر بس است!

ابتدا مردم در مقابل فرمانداری تجمع کردند و سپس بطرف جاده مرز برای جلوگیری از ورود تانکهای که در هفته گذشته باعث مرگ چهار نفر از اهالی میروان شد دست به راهپیمایی زدند. راهپیمایی مردم با استقبال و با انعکاس فوری و وسیع در میدیای اجتماعی روبرو شد. فرماندار میروان در هراس از اوج گرفتن و گسترده تر شدن این اعتراضات قول داد تا دوسال آینده جاده جدید به بهره برداری برسد که این وعده های تو خالی با اعتراض مردم روبرو شد. مردم اعلام کردند ما خواهان اقدام فوری هستیم و وعده های پوچی که هر بار مقامات حکومتی به ما داده اند هیچگاه عملی نشده است.

جاده میروان سنج و میروان سقز نه تنها برای عبور و مرور تانکهای نفتکش نامناسب است و تا کنون بارها بعلت غیر استاندارد بودن این مسیر باعث تصادف این تانکها با خودروهای شخصی شده است، بلکه موجب واژگون شدن تانکهای نفتکش، آتش سوزی و سرازیر شدن مواد

سنگون باد حکومت اسلامی
کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری
۱۳ مهر ۹۵
۴ اکتبر ۲۰۱۶

در کردستان عراق وجود ندارد. بخاطر اینکه اکنون در کردستان عراق حکومت بعث و حکومت مرکزی بعنوان حکومت بالا دست که علیه مردم کردستان جنایت کرد وجود ندارد بلکه حکومت در آنجا خودی است و این یعنی ستم ملی وجود ندارد اما مسئله کرد همچنان سر جای خود باقی است که فعلا وارد آن نمیشوم.

خطاب به اعضا و کادرهای حزب دمکرات باید بگویم دوستان، سعی کنید بجای ناسزا گویی علیه

از صفحه ۳ حزب دمکرات گردستان...

کمونیستها که در حزب دمکرات پیشینه تاریخی دارد، واقعیت دنیای امروز را مبنا بگیرد. دست بدامن عربستان و اسرائیل شدن دقیقا نشاندهنده بن بست سیاسی، اجتماعی و نظامی حدکا است. از نظر من ارتباط با دولتها یخودی خود جای ایراد نیست. آنچه که حدکا را ناچار کرده است به دو حکومت که دست کمی از نازی ها و جمهوری اسلامی ندارند پناه ببرد این است که حدکا با افق و استراتژی ای که تمام طول عمرش آنرا بعنوان افق خود قرار داده است نمیتواند پاسخگوی معضلات اجتماعی مردم کردستان ایران باشد.

همین اندازه از فحاشی و ناسزا گویی برخی از شما اعضای این حزب به نوشته من نشان میدهد که چقدر عمیقا به دمکراسی و دمکرات بودن معتقد هستید. دمکراسی و دمکرات بودن در دنیای امروز همین واکنشهای منفی شما به یک نوشته است. خوانندگان کامنتهای ناسراگونه شما درک و شعور دارند بخوبی درمیابند که اگر این حزب "دمکرات" سرکار بیاید با همین فحش دادن ها و بمراتب زشت تر و زنده تر از اینها جامعه را اداره خواهد کرد.

حقیقت هر اندازه تلخ باشد باید آنرا پذیرفت. حقایق روند مبارزه در کردستان ایران هم اگر منصفانه قضاوت کنیم یعنی مبارزه طبقاتی، یعنی جنبش برابری طلبی زنان و مردان، یعنی جنبشها و تشکلهای کارگری، برابری طلبانه و انسانی که همه آنها در کاتگوری افق و اهداف حدکا جای نمیگیرند بلکه همچنان تن به خفت و خاری در پیشگاه دولتهای مرتجع میدهد تا در نهایت کپی بارزانی را در کردستان ایران به اجرا در بیاورد. اما مردم کردستان ایران ایدا حاضر نخواهند بود که نمونه بارزانی، طالبانی و جریانات مرتجع اسلامی و سلفی در کردستان ایران بر کرده آنها حاکم شود و با تمام قدرت در مقابل آن خواهند ایستاد.

عاقله ترین راه این است که انسانهای شریف و صادق در صفوف این حزب تن به چنین افق به بن بست رسیده در حدکا ندهند و مبارزه خود را به مبارزات واقعی مردم که برابری

طلبی و انسانیت محور آن است گره بزنند.

.....

اقبال شادی: " شما مقصر نیستین خطا از مکتبتون هست که تحجر اینچنینی را نقد و ایراد به حساب میارین. در صورتی که خونه خودتون از شیشه است به خونه مردم سنگ پرانی نکنید شمایی که بازمانده همان تودهای هابی هستین که تا پای به دار کشیدن همزمانشان پا به پای خمینی ایستادند شاید اینجوری ضعف خودتون رو در برابر شعاری که سر میدادین آرام بگیرین (ضدیت با امیرالیزم) شما در کجای تاریخ گم شدهای که اینچنین بی محابا به آب و آتش میزنی شاید روزهای پیدا کردین؟ کدام یک از ارتجاعی ترین قدرتها نبود بهش تکیه نکردین؟ باز هم دردی از دردهاتون دوا نشد مگر همین شیخ عزالدین شما نبود ده هزار دلار از سعودیه گرفت و آن را حق مسلم کمونیستها دانست، حقیقت آن است که شما در ناکجاآباد تاریخ گم شدهای من به کدامین قبهات نظر کنم اندکی بتوان دید؟ استالین، کویا، کره شمالی، یوگوسلاوی، بعث سوسیالیست، کدامین آخر؟ چرا نمیگویی کدام ضعف استراتژی، ایدئولوژی، تشکیلاتی بود که صدیق کمانگر و فواد مصطفی سلطانی را به کام مرگ فرستاد؟"

کلپریان: دوست گرامی اقبال، اگر تحجری در جریان ما مشاهده میکنید لطف کنید آنرا نقد کنید و خانه شیشه ای ما را با سنگ نقد نه سنگ گلوله به نقد بکشید. ما هیچ سنجیتی با سنت حزب توده نداشته ایم پیدا است که بدون اطلاعات اظهار نظر میکنید. نه تنها با حزب توده بلکه جریانی متفاوت از کل تاریخ چپ را میتوانید با رجوع به آثار و ادبیات چهل ساله آن متوجه شوید.

این حدکا است که شاخه کردستانی حزب توده را نمایندگی میکرد. شاید تاریخ روند حزب متبوع خود را هم از بی اطلاع هستید. مناسبات و جهت گیری تاریخ قبل از فروپاشی شوروی سابق مصداق همسوی با حدکا بود شوروی

سابق مادر بزرگ و قبله گاه تمام احزاب از جمله حزب توده و حدکا بود لطفاً بریود این تاریخ را مطالعه کنید. همین احزاب اقماری شوروی سابق بودند که در ایران عصای زیر بغل جمهوری اسلامی شدند. پیام لیبیک حزب دمکرات به خمینی نمونه بارز آن و اکنون دیگر اظهر من الشمس است.

تمام کشورهایی که شما اسم بردید لابد رهبری حدکا عوضی شما را آموزش داده و حالی کرده است. دوست عزیز این کشورها قبله حدکا بود نه برعکس. اقلاً تاریخچه حزب خود را مطالعه کنید. در هر صورت لطف کنید به افق، استراتژی و سیاستهای همین امروز حدکا نظر بیندازید که از سر ناچاری به اتخاذ چنین رویکردی کشیده شده است.

فرض کنید من یا ما هیچی نیستیم اما بهتر نیست حقایق تحولات امروز در کردستان را آنگونه که هست ببینید؟. شما لطف کنید به این سؤال پاسخ دهید که آیا حدکا در تلاش برای برپا کردن سیستمی همچون اقلیم کردستان عراق در کردستان ایران نیست؟. اگر برای چنین سیستم فدرالی فعالیت میکند، گفت که تاریخ مصرف آن تمام شده است. ارتباط گرفتن با سران سعودی و اسرائیل پیشکش اما در حالیکه مردم کردستان عراق میکوشند این سیستم ضد مردمی، فاسد و مسبب بدبختی مردم را کنار بزنند، حدکا چرا بدنبال مدلی است که محکوم به شکست است؟. به این میگویند بن بست و بی ربط شدن به خواستهای مردم کردستان. از این نظر است که حدکا بسوی عربستان و اسرائیل چرخیده است و تلاش میکند از این طریق بحساب آید.

اقبال شادی: "اگر شفا یافتگان، زور شنیدگان، و شکست خوردگان ارزش گذاری کنند وجه کلی ارزشها واژگون خواهد شد. "نیچه" عمل آقا نه مکتب و نه فکر اصلا هیچ چیز شما مسئله نیست تا بخواهیم نقد و بررسی کنیم جماعتی آدم شکست خورده فکری، ذهنی، ایدئولوژی، که به هر دری میزنند فقط دیده بشن حدکا با درایت و حرکت انقلابی راه خود را از این به مشت جوجه فاشیست تمامیت طلب خزیده در پوست چپ جدا کرد ولی

چنان میراثی برای شما به جا گذاشتن عمرا بتونین از یوغش در بیاین. تمامی جنبشهای ملی کوردستان یک هدف و پیام را دنبال کرده اند حق تعیین سرنوشت خویش با اندکی تفاوت در متن ولی شرایط اقلیمی و جهانی بر این مسئله تاثیر گذار بوده است، دست آورد پارتهی و یکیتی مشخص و آشکار است نیازی به گفتن نیست کدام یک از هم فکران شما گلی به سر و روی بشریت زده اند جز تحجر و فوش کشی و سرکوب و عقب افتادگی؟"

کلپریان: اقبال گرامی خوشحالم که لحن شما از تعرض و ناسزاگویی بدرجاتی پایین آمده است. بی گمان بحث و دیالوگ سیاسی متین، منطقی و مستدل به روند هر موضوعی کمک میکنند. من یا حزب من هیچ خصومتی با حدکا و هیچ حزب دیگر اپوزیسیون نداریم اما اگر حداقل اسم حزب شما یعنی "دمکرات" بودن و دمکراسی را شاخصی برای اظهار نظر قرار دهیم قطعاً شما باید بشدت دمکرات متشانه تر از هر کس دیگری به مسایل برخورد کنید. نقد ما به سیاستها، افق و اهداف حدکا است. بکار گیری واژه های چون، "جوجه فاشیست" و این قبیل اصطلاحات برازنده حزب یا کسانی که حرفی برای گفتن داشته باشند نیست. خواننده کامنتهای من و شما قضاوت خود را خواهند کرد که ما چه میگویم. این نشان میدهد که حرفی برای گفتن ندارید و ناچاراً با همان سنت دیرینه و همیشگی به فحش، ناسزا و تعرض به مخالفین سیاستها و عملکردهای خود متوسل میشوید.

من بر سر اینکه گلی به سر چه جنبشی زدم یا نردیم حرف نمیزنم مردم و جنبشهای اجتماعی درک و شعور سیاسی دارند و لابد میروند فعالیتهای احزاب را دنبال میکنند. اما بحث بر سر سیاستها و افق حدکا بود. فرض کن من به هیچ حزب و فعالیتتیی تعلق ندارم و شما میخواهید من را قانع کنید و یا درستی سیاستهای حدکا را به من نشان دهید. با جوجه فاشیست خواندن و یا الفاظی از این قبیل نه تنها نمیتوانید من یا دیگرانی که حزب دمکرات را قبول ندارند و دارند آنرا نقد میکنند قانع کنی

بلکه به حدکا لطمه میزنی. اما اگر سیاسی، مستدل و واقعبینانه مسایل را بدون غرض توضیح دهید قطعاً نظر خواننده کامنتهای را به خود و حزب متبوع خود جلب خواهید کرد و این گام اول است. گام دوم این است که ممکن بودن، عملی بودن و واقعی بودن افق، سیاست و اهداف حدکا را که اگر شانس و اقبال پذیرش در میان مردم را دارد با فاکت نشان دهید.

من فکر میکنم به اندازه کافی نکاتم را توضیح داده ام و در تاکید بر آنها مجدداً میگویم که جامعه کردستان ایران افق و سیاستهای حدکا را که نمونه آن طی بیش از دو دهه در کردستان عراق امتحان خود را پس داده است برایش قابل حضم و پذیرش نیست. دوران آن سپری شده و جنبشهای اجتماعی، رادیکال، مدرن، انسانی مردم توقعات و انتظارات بحق جامعه است که از حقوق برابر شهروندی هر بخش از جامعه که به ملیت های مختلف منتسب شده اند از آن بهرمند شوند.

مثلاً الان که حکومت اقلیم تصمیم گرفته است مانع فعالیت نظامی حدکا شود آیا به این فکر کرده اید که چرا حدکا روزی به دستور حکومت اقلیم روانه مرزها میشود و روزی مانع آن میشود تبدیل شدن حدکا به مهره شرنج در دست بارزانی و شیوخ عربستان برای چیست؟. این یعنی تبدیل شدن حدکا به ابزاری در دست دولتها و من نوشتم که حدکا بخاطر اینکه به جامعه و توقعات امروز مردم بی ربط شده است جز این چاره ای ندارد. اما اگر حدکا بخواهد در میان مردم جایگاهی داشته باشد باید بتواند از جنبشهای اجتماعی مردم علیه توحش اسلامی عمیقاً حمایت کند.

به مذاکره مخفی و دور از چشم مردم با جمهوری اسلامی ننشینند، به دولتهای منطقه دل نیندند. از حقوق برابر زن و مرد در عمل دفاع کند و خود را در جبهه مبارزات اجتماعی مردم علیه تحجر اسلامی قرار دهد اما حدکا نه تنها این چنین سیاست و عملکردی را نداشته است بلکه عکس آن ظاهر شده و همین سیاست و عملکرد به بن بست رسیده حدکا است که آن را به جامعه و خواست و مطالبات آنان بی ربط میکند نه چیز دیگر. زنده و پاینده باشد.

از صفحه ۴ حزب دمکرات کردستان...

فرشید امینی: "این نقد نبود، بلکه موجی از اتهامات ثابت نشده، با چاشنی تکرار همان تبلیغات جمهوری اسلامی بر علیه حزب دمکرات، برداشتی اشتباه از تاریخ حزب، نبود اطلاع ناشر از برنامه و اساسنامهی حزب دمکرات و فکر ناشر هنوز در دهی ۶۰ مانده و فکر میکند هنوز جهان دو قطبی است!"

تاریخ مصرف جنبشهای رادیکال چپی که ناشر از آن صحبت میکند مدت زمان بسیاری است که شکست خورده‌اند! نبود درک ناشر از روابط دیپلماتیکی که بر اساس منافع مشترک بوجود می‌آید نیز بسیار مشهود است! ایشان فکر میکنند هر حزبی با یک سیستم متضاد با برنامهی خودش بر سر یک سری اشتراکات همکاری کند دیگر سیاست این حزب نیز مانند طرف مقابل شده است!

دیگر این را نمی‌بیند که سیستم سکولار آمریکا با سیستم وهابی و اسلامی عربستان بسیار متفاوت است اما همپیمان هستند و هیچکدام از یکدیگر هیچگونه تاثیری نگرفتند!

اصول روابط دیپلماتیک این است: هر نوع همکاری مجاز می‌باشد به دو شرط یک، استقلال سیاسی از دست نرود، دوم اینکه این همکاری به زیان احزاب دیگر کورد نباشد.

ناشر باید بداند این یک اصل ساده و بنیادی است، که حزب دمکرات آن را رعایت کرده، در متن یک عقدهی شخصی، یک خاطری ناگوار نیز نسبت به حزب دمکرات از سوی ناشر مشهود است، و این را در آن بخش از متن برجسته کرده است که اشتباه یک پیشمرگ را به یک حزب و تاریخ حزب دمکرات و جمهوری کوردستان ربط داده، که بسیار حرکت کودکانای بود!

ناشر به این مهم اشاره نکرده که اولین حزبی که سازمان زنان تاسیس کرد حزب دمکرات بود!

همچنین ناشر هیچ درکی از سکولاریزم ندارد! فکر میکند مانند احزاب رادیکال چپ اعضای حزب دمکرات باید به مساجد رفته و قرآن آتش بزنند و مسجد را خراب کنند و

حج رفتن یکی از اعضای سادهی حزب که هیچگونه مسئولیتی در حزب دمکرات ندارد به کعبه را به مانند یک خیانت بسیار بزرگ نشان میدهد!!

همچنین پخش قرآن از رادیو حزب دمکرات را که احترامی به عقاید اکثریت ملت کورد است را بد میدانند! اینجا به این نتیجه میرسیم که ناشر فاقد دانش کافی در مورد اسلام رادیکا و سیاسی است و فرق اسلام سنتی را با اسلام سیاسی نمیداند! حزب دمکرات هیچگاه نگفته با اسلام در جنگ است! گفته با اسلام سیاسی مخالف است، که درک این موضوع به دانش نیاز دارد که ناشر فاقد این دانش میباشد، یا عمداً خود را به کوچی علی چپ زده، مورد دیگر تفکر تک بعدی بودن جامعهی کوردستان از دید ناشر میباشد!

ناشر کیهک تفکر کمونیستی دارد هنوز فکر میکنند جامعهی کوردستان یک جامعهی دهقان و کارگر است! غافل از اینکه جامعهی کوردستان یک جامعهی چند بعدی است و کارگران تنها بخشی از این جامعه هستند، و این بخش نیز تعریف با آن تعریفی که در اتحاد جماهیر شوروی بود بسیار متفاوت میباشد!

جناب عبدالامیدوارم کمی بخوانید، تحقیق کنید تا اینگونه با یک دید دهی ۶۰ می مسائل را اینگونه بدور از واقعیت تحلیل نکنید!!

آیندهی کوردستان یک جامعهی سوسیال دمکرات چند حزبی خواهد بود، زمان دیکتاتوری تک حزبی و ایدئولوژیک به پایان رسیده، امیدوارم از خواب بیدار شوید!

کلپریان: فرشید امینی گرامی شما نوشته من را هر گونه علاقمند هستید میتوانید ارزیابی کنید و آنرا به تبلیغات جمهوری اسلامی و غیره ربط دهید اما فرهنگ، سنت، سیاست و سابقه نشست و برخاست، دیدار مذاکره و توهم به جمهوری اسلامی در شناسنامه حدکا ثبت شده است. متأسفانه این شناسنامه و هویت در پیشینه این حزب زوده شدنی نیست. و باز هم متأسفانه رهبران این حزب از قاضی، قاسم و

شرافکندی و بقیه با همین خوشبینی قربانی چنین سیاستی شدند. تازه تلاش برای دیدارهای چند سال اخیر در درازبیل و سلیمانیه با مقامات کونسولگری رژیم اسلامی پیش کش. در ضمن نیازی نیست که نقدی که در نوشته من خطاب به حدکا و اینکه در عالم شش دهه پیش حرکت میکنند را تحویل نوشته من بدهید. این شیوه ها نمیگیرد و خریداری ندارد. بروید مجدداً آنرا مطالعه کنید.

شما با قاطعیت از شکست جنبشهای رادیکال چپ نوشته اید. داستان این هم کاملاً برعکس است. صورت خود را به داخل شهرهای کوردستان ایران و حتی کوردستان عراق بچرخانید، اخبار، وقایع و رویدادها را دنبال کنید ببینید آیا جنبشهای رادیکال در دفاع از معیشت، منزلت و حرمت انسانی شکست خورده است یا افق کور جریان بارزانی و طالبانی؟

در همان نوشته من به گرفتن رابطه با دولت‌ها ایراد نگرفتم و آنرا امری طبیعی بر شمردم اما نکته من بر سر این بود که چرا حدکا ناچار به چنین برقراری رابطه آنهم تازه با جنایتکارترین حکومت‌های تاریخ شده است؟

اما این را بدانید که این رابطه و همکاری آنجا به زیان است که از بالای سر مردم و به قیومت از جامعه و حتی با انکار کردن همین رابطه بطور خجولانه توهم ایجاد میکنید و سر مردم کوردستان کلاه میگذارید. کار ما این است نگذاریم کپی طالبانی و بارزانی در کوردستان ایران با این شیوه ها تکرار شود.

اسلام زده گی حدکا تحت عنوان احترام به افکار توده ها گویای وجود سکویی است که این حزب از بدو پیدایش بر آن ایستاده است. اسلام و اسلام سیاسی اکنون و بعد از بیش از سه دهه از کارنامه جمهوری اسلامی و دو سه سال اخیر موجودیست داعش و توحش عربستان در برخورد به کل جامعه و زنان کاری کرده است که مردم کوردستان به اسلام پناهی حدکا می‌بخشند و به ریشخند می‌گیرند.

جالب این است که طرفداران حدکا ما را به شوری سابق منتسب میکنند. قبلاً در پاسخ به اقبال این را توضیح دادم که بروید ادبیات و

فقط ۷ درصد از بیکاران کشور بیمه بیکاری می‌گیرند



نسان نودینیان

سالانه ۸۰۰ هزار تا یک میلیون نیروی کار جدید به جمعیت جویای کار اضافه میشود. بیکاری میلیونی تحصیل کردگان هم اکنون چالش بزرگی در جامعه ایران است. نرخ بیکاری سیر صعودی بخود گرفته است. ده ها مرکز کار و کارخانه تعطیل شده اند .

در نظام اسلامی آمار جمعیت بیکاری هیچگاه با شفافیت آماری اعلام نمیشود. مرکز آمار ایران آخرین رقم بیکاری را در گزارش رسمی خود ۲ میلیون و ۷۲۹ هزار نفر و وزارت کار هم شمار بیکاران را ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر اعلام کرد، در عین حال رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی از گزارش این مرکز در خصوص بیکاری حداقل ۸،۴ میلیون ایرانی پرده برداشت و با احتساب بیکاری ناقص اعلام کرد که شش میلیون نفر بیکارند که این رقم از سوی عیسی منصوروی معاون اشتغال وزیر کار هم تایید شد.

بانک مرکزی هم در گزارش جدیدی که درباره اقتصاد خانوار ایرانی برای سال ۹۴ منتشر شده است، اعلام کرد، در بیش از ۲۶ درصد خانوارهای ایرانی هیچ فرد شاغلی وجود ندارد. با این وضعیت، نحوه تامین معیشت این قشر با یک علامت سوال بزرگ مواجه است.

از میان جمعیت میلیونی بیکاران طبق آمار نهادهای خود رژیم اسلامی فقط ۹ درصد شانس گرفتن بیمه بیکاری را دارند .

جمعیت بیکاری میلیونی بدون حقوق و مزایا، بدون تامین معیشت و رفاه راه چاره یی جز مبارزه برای بیمه بیکاری ندارد . به گزارش ایلنا، «خسرو

صادقی بروجنی» در نوشته پیش‌رو ابعاد مختلف بیمه بیکاری را بررسی کرده و به زوایای مختلف آن بر مبنای قوانین داخلی و بین‌المللی پرداخته است. بر اساس بررسی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۴، تعداد جمعیت فعال (شاغل و بیکار) کشور ۲۴ میلیون و ۷۰۱ هزار و ۱۷۷ نفر است که از این تعداد ۲ میلیون و ۷۲۹ هزار و ۹۲ نفر بیکار هستند.

از سوی دیگر بنا بر سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۴، تعداد کل مقرری بگیران بیمه بیکاری کشور در سال ۱۳۹۴ بالغ بر ۱۹۱۶۳۰ نفر بوده است که از این تعداد ۱۴۵۶۶۶ نفر (۷۶ درصد) مرد و ۴۵۹۹۶۴ هزار نفر (۲۴ درصد) زن هستند. این تعداد مقرری بگیر بیمه بیکاری فقط ۷ درصد از کل جمعیت بیکار کشور را شامل شود. بنا بر این آمار، نسب جنسیت (مرد به زن) مقرری بگیران بیمه بیکاری در سال ۹۴، در استان‌های کوردستان و لرستان

بین ۵۰،۷۲ تا ۸۰،۲۵ بوده است که حاکی از تعداد بالای مردان مقرر بگیر بیمه بیکاری نسبت به زنان در این دو استان است. این نسبت در استان‌های تهران، البرز، یزد، فارس، بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان کمترین مقدار و بین ۲۰،۰۵ تا ۲۰،۹ است.

اتخاذ سیاستها و عملکردهای حدکا و زیر ذره بین قرار دادن آنها، باید ماهیت احزاب قومی و اسلامی نظیر حدکا را هر چه بیشتر برای مردم کوردستان ایران افشا و برملا ساخت.

۱۳ اکتبر ۲۰۱۶

تاریخ فعالیت احزاب را در گوگل سرچ کنید ببینید چه جریانی در چهل سال قبل بلوک شرق را بعنوان سرمایه داری دولتی معرفی کرد. و چه جریان یا احزابی بند نافشان به بلوک شرق وصل بود. به توصیه شما حتما توجه خواهیم کرد و قطعاً با تحقیق و دنبال کردن هر چه بیشتر

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون رد اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده در دیوان عالی کشور

به مناسبت روز جهانی معلم - ۵ اکتبر روز جهانی معلم را با یاد فرزند کمانگر عزیز و برای دستیابی به خواست های انسانی مان گرامی میداریم بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران



پهلوی، نیک نژاد و دهها و صدها معلم شاغل و بازنشسته ی به نام و بی نام و نشان از شان و مقام معلم و انسانیت انسان بوده است که دیر یا زود پیروز هر صحنه تحولی در تاریخ ایران و جهان خواهند بود. همه باهم دوشادوش معلمان، روز جهانی معلم را با تجمع و اعتراض به شرایط فلاکتبار کنونی و با یاد فرزند عزیزمان گرامی خواهیم داشت.

زنده باد یاد و خاطره
فرزاد کمانگر
زنده و پایدار باد
اتحاد کارگران و معلمان ایران
اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۳ مهر ماه ۱۳۹۵

اولین تصویری که از معلم بودن در ذهن و تار و پود هر انسانی نقش می بندد، اعتماد عموم مردم به این بزرگان و مسئولیت بالای این قشر به عنوان يك نقطه رجوع برای همه آحاد مردم زحمتکش از کارگر تا استاد دانشگاه و پزشک و مهندس است. اما چیزی که در این ۳۷ سال گذشته اتفاق افتاده است تحقیر و سرکوب این انسانهای تاریخ ساز و در مقابل دفاع جانانه انسانهای بی نظیر و از جان گذشته ای همچون فرزاد کمانگر و انسانهای مقاوم و پر شوری همچون باغانی، هاشم خواستار، رسول بدافی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی لنگرودی،

سازش ناپذیر و پرشور کارگران عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران، از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی چهل هزار نفری کارگران در اعتراض به حداقل مزد، نماینده کارگران برخی کارخانه ها در هیاتهای تشخیص و حل اختلاف، همراه و کارگری در کارخانجات سراسر کشور و فریاد اعتراض و خشم فرو خورده میلیونها کارگر به جان آمده از وضعیت مصیبت بار موجود است که در اعتصاب غذایی ۶۳ روزه تا پای جان ایستادگی کرد و تسلیم ظلم و ستم نشد.

وی و صفی از رهبران کارگری و معلمان همچون عبدیها، بدافی ها، بهشتی ها، صالحی ها، رضویها، مددیها، باغانی ها، خواستارها، نجاتی ها، شهابی ها، بهنام ها، جراحی ها، شاپورها و دهها و صدها نفر دیگر از رهبران اعتراضات کارگری در معادن و صنایع تولیدی خدماتی، کسانی نیستند که با زندان و پرونده سازی دست به عقب نشینی از خواستهای بر حق و انسانی شان بزنند. این، آن چیزی است که حکومتگران از درک آن عاجزند و به همین دلیل پاسخ حق خواهی چنین انسانهای شریف و جسوری را با اتهامات واهی امنیتی و زندان و سرکوب میدهند.

اما اگر تاکنون، سرکوب و زندان ذره ای مانع در برابر این انسانهای بزرگ برای حق خواهی و سدی در برابر اعتراضات رو به گسترش کارگران و معلمان و بازنشستگان و بیسکاران ایجاد کرده است، حکومتگران همچنان میتوانند به امنیتی کردن مطالبات صنفی - مدنی و به زندان انداختن و فرود آوردن ضربات شلاق بر گرده کارگران برای تداوم وضعیت موجود امیدوار باشند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۳ مهر ماه ۱۳۹۵

بر علیه وی کرد.

رد اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور در رابطه با محکومیت شش ساله اش و همزمان با آن برگزاری جلسات محاکمه در دادگاههای کیفری و انقلاب شهرستان سازه بر علیه وی و شاپور احسانی راد، بیانگر اصرار مسئولین قضائی و امنیتی جمهوری اسلامی بر تداوم امنیتی کردن فعالیتهای صنفی - مدنی و دهان کجی به خواست میلیونها کارگر و معلم در ایران و دهها سازمان جهانی و کشوری کارگران و سازمانهای حقوق بشری در سطح جهانی برای پایان دادن به امنیتی کردن فعالیتهای صنفی - مدنی و برداشتن اتهامات امنیتی از روی پرونده های فعالین این جنبشهاست.

اعتصاب غذای مشترک جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی که موج کم نظیری از اتحاد کارگران و معلمان و عکس العمل سازمانهای کارگری و حقوق بشری جهانی را بر علیه امنیتی کردن فعالیتهای صنفی - مدنی به همراه آورد، چیزی نیست که با انتقام جوئی از جعفر عظیم زاده از طریق رد اعاده دادرسی و افتتاح دو پرونده امنیتی و کیفری دیگر در شهرستان سازه به سرانجام مطلوب مسئولین قضائی و امنیتی ختم بشود.

جعفر عظیم زاده دبیر هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، هیچ جرمی جز دفاع از منافع خود و دیگر هم طبقه ای هایش مرتکب نشده است. تنها جرم جعفر همچون هزاران کارگر و معلمی که با جسارتی ستودنی بطور روزانه در سراسر کشور مشغول اعتراض و اعتصاب بر علیه بی حقوقی و فقر و فلاکت هستند، ایستادگی در برابر ظلم و ستم است. وی نماینده هزار کارگر در شکایت از سعید مرتضوی در مورد غارت و چپاول صندوق سازمان تامین اجتماعی، نماینده



با گذشت بیش از سه ماه از پایان اعتصاب غذای ۶۳ روزه جعفر عظیم زاده، شعبه ۳۳ دیوانعالی کشور طی حکمی اعاده دادرسی او را رد کرد. رد اعاده دادرسی جعفر عظیم زاده از سوی دیوانعالی کشور در حالی صورت می گیرد که با آغاز اعتصاب غذای وی و اسماعیل عبدی در روز دهم اردیبهشت ماه، پرونده مسکوت مانده جعفر و شاپور احسانی راد در دادگستری شهرستان سازه با هدف به تسلیم کشاندن وی به جریان افتاد و همزمان دو پرونده کیفری و امنیتی بر علیه این دو عضو ثابت قدم و استوار هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران گشوده شد. در این پرونده ها، ۵ اتهام امنیتی و کیفری به جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد از جمله اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور، بر هم زدن نظم عمومی، جعل عنوان در رابطه با کمک و مشاوره به کارگران اعتصابی کارخانه نورد و لوله صفا، تشویش اذهان عمومی و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی وارد شده است.

وارد کردن این اتهامات به جعفر عظیم زاده در حالی است که وی همزمان با بازداشت در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۴ در شهرستان سازه، در دادگاه انقلاب شعبه ۱۵ تهران با همین اتهامات به شش سال زندان محکوم شده بود اما علیرغم این محکومیت، دادگستری شهرستان سازه اقدام به تشکیل پرونده مشابه دیگری با همان اتهامات و مصادیق

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

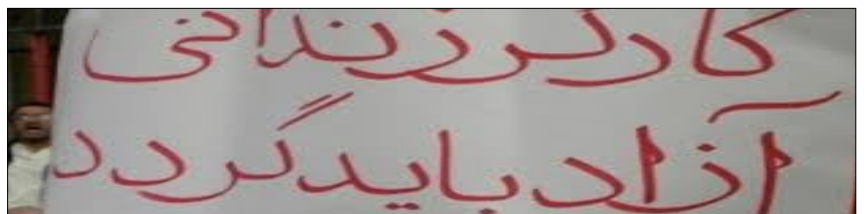
سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرتگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!



نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان نسان نودینیان، نسرین رضاعلی



مریوان؛ فراخوان به تظاهرات اعتراضی به وضعیت نامناسب جاده سنندج - مریوان

زیادی تاکنون مسئولین به ما داده اند و هیچ وعده ای عملی نشده است.

۴/ مریوان؛ فراخوان به تظاهرات نامناسب جاده سنندج - مریوان سشنبه با ۵ هزار امضا به نشانه اعتراض به وضعیت نامناسب جاده ی سنندج - مریوان ساعت ۱۰ صبح در جلوی فرمانداری مریوان جمع میشویم. لطفا همه با هم در این گردهمایی حضور داشته باشیم تا بیش از این قربانی این جاده مرگبار نشویم

۵/ در اعتراض به نامناسب بودن جاده مریوان / سنندج مردم کمپینی را فراخوان داده و به اعتراض به نامناسب بودن جاده در مقابل فرمانداری مریوان جمع میشوند. سالیانه دهها تن جانشان را در این جاده از دست میدهند. مسئولین در مقابل این وضعیت و جان مردم تاکنون با بیتفاوتی برخورد کرده اند.

ما از مردم شهر مریوان و سنندج میخواهیم در این اعتراض به وضعیت نامناسب جاده حضور پیدا کنند.

جان باختن کولبر ۲۱ ساله

تیراندازی نیروهای نظامی در مرز بانه به قتل کولبر جوانی منتهی شد.

بر اثر شلیک مأموران مسلح در روستای "چومان" از توابع شهرستان بانه، کولبری به نام مهدی رحیمزاده جان خود را از دست داد. این جوان ۲۱ ساله که مورد اصابت گلوله واقع گردید، قبل از رسیدن به مراکز درمانی بانه، جان سپرد. کولبر

کشته شده از اهالی روستای "ابوالحسن" بانه است.

دستگیری

هشتم مهرماه، نیروهای امنیتی ارومیه محمد احسانی دانشجوی رشته حقوق دانشگاه ارومیه را دستگیر کرده اند.

پروا نکردن حقوق سه ماه کارگران شهرداری آبادان

کارگران خدمات شهری در شهرداری آبادان (استان ایلام) بیش از سه ماه است که بدون مزد بر سر کارهایشان حاضر می‌شوند.

اخراج کارگران در کارخانه رویا پلاستیک سنندج

در روزهای گذشته تعدادی از کارگران کارخانه رویا پلاستیک سنندج اخراج شده اند.

تعداد کارگران اخراجی ۷ نفر هستند. کارگران اخراجی که دارای سابقه کار چند ساله در این شرکت هستند می‌گویند: "خاتمه قرار داد آنها به دستور کارفرما و به بهانه کاهش سطح تولید انجام شده است." از قرار معلوم در ماههای گذشته مطالبات مزدی این کارگران با تاخیر بسیار پرداخت شده و این کارگران با مشکلات معیشتی بسیار روبرو هستند. این واحد تولیدی در شهرک صنعتی شماره ۱ سنندج واقع شده است.

برگزاری جلسه دادگاهی فعالین کارگری کامیاران

بر اساس خبر دریافتی امروز دوشنبه جلسه دادگاهی فعالین کارگری کامیاران مهرداد صبوری، امید احمدی، شاهو صادقی، آرام محمادی در شعبه ۱ دادگاه انقلاب سنندج برگزار گردید. در این جلسه که ۳ ساعت ادامه داشته، فعالین کارگری به اتهام تبلیغ علیه نظام دادگاهی شده اند. اما آنها این اتهام

را رد کرده و اعلام داشته اند که شرکت در مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر تبلیغ علیه نظام نیست و یکی از مطالبات اولیه طبقه کارگر به حساب می‌آید و از شرکت خود در مراسم مستقل روز جهانی کارگر در سال ۱۳۹۵ در شهر کامیاران دفاع کردند.

در ضمن در آخر جلسه دادگاهی، قاضی به آنها اعلام کرده که منتظر جلسه آینده دادگاهی و با ابلاغ حکم باشید. ما بازداشت، محاکمه و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری را به جرم برگزاری روز جهانی کارگر محکوم کرده و برگزاری آزادانه این مراسم را حق اولیه و ابتدایی کارگران می‌دانیم.

کمیته هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - ۱۲ / ۷ / ۱۳۹۵

دبیر انجمن صنفی کارگران خباز سنندج: نصف سال گذشت اما مزد خبازان افزایش نیافت

ایلنا: يك فعال صنفی کارگران خباز کردستان می‌گوید: با وجود آغاز شدن نیمه دوم سال، هنوز تکلیف افزایش مزد خبازان مشخص نشده است. «یدالله صمدی»، دبیر انجمن صنفی کارگران خباز سنندج در گفتگو با ایلنا اظهار داشت: در سال جاری، در زمینه افزایش مزد خبازان هیچ اتفاقی نیفتاده است. وی افزود: علیرغم آغاز نیمه دوم سال و بازگشایی مدارس هنوز تکلیف افزایش دستمزد این قشر از کارگران مشخص نشده است. دبیر انجمن صنفی خبازان سنندج از صدور نامهای توسط فرماندار این شهر خطاب به سازمان صنعت، معدن و تجارت متعاقب رایزنی‌های انجمن صنفی خبازان خبر داد که به گفته این فعال صنفی هیچ نتیجه‌ای بر این نامه‌نگاری مترتب نبوده است. صمدی در ادامه با بیان این که تا کنون همه نامه‌نگاری‌ها و

رایزنی‌های انجمن صنفی کارگران خباز سنندج بی‌نتیجه مانده است، افزود: این مشکل فقط محدود به سنندج و کردستان نیست، بلکه در تمام کشور فریز مزدی خبازان اتفاق افتاده و هیچ کس هم پاسخگو نیست. وی در پاسخ به این پرسش که مسئولان در قبال این عقب‌افتادگی مزدی چه پاسخی دارند، گفت: مسئولان می‌گویند از آنجا که نرخ نان افزایش نداشته و هیات دولت قیمت جدیدی برای نان اعلام نکرده، مزد خبازان نیز افزایش نیافته است. وی تاکید کرد: این استدلال کاملاً غیر منطقی است، چرا که دستمزد و هزینه های زندگی ما هیچ ارتباطی به افزایش قیمت نان ندارد و ما به شدت مخالف افزایش قیمت این کالای اساسی هستیم.

تجمع اعتراضی دستفروشان در مقابل شهرداری مرکزی شهر سنندج

به گزارش "کمیته هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" روز چهارشنبه جمعیت کثیری از دستفروشان سنندج در مقابل شهرداری مرکزی این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. دستفروشان خواهان لغو ساعت جدیدی شدند که مأمورین سد معبر می‌خواهند در سطح شهر به این دستفروشان تحمیل کنند. معترضان اعلام کردند چنانچه به این خواسته آنان رسیدگی نشود، تجمعات خود را در روزهای آینده ادامه خواهند. لازم به ذکر است که دستفروشان شهر سنندج هر روز بساط و وسایل خود را قبل از ظهرها، از ساعت ۱۱ و بعداظهرها نیز از ساعت ۶ غروب پهن می‌کنند که با توجه به اعمال ساعت جدید اعلام شده، آنها حق ندارند صبح قبل از ساعت ۱۲ و بعداظهرها قبل از ساعت ۷ اقدام به دستفروشی کنند.



یادداشت‌های هفته



چه کسی میداند شاید یک گل نقطه آغاز فروپاشی نظام اسلامی باشد

"بعد از گل ایران به کره جنوبی در روز تاسوعا، آیا می‌توان جلوی خوشحالی مردم را گرفت؟"

این بخشی از اظهارات آیت‌الله محمد یزدی است که در جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مطرح کرده است.

بازی ایران و کره جنوبی در مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸، در روز تاسوعا برگزار خواهد شد. از هم اکنون این بازی به یک معضل جدی برای مقامات حکومت اسلامی تبدیل شده که انجام این بازی با مخالفت شدید برخی مقامات و آیت‌الله‌های وحشت زده مواجه شده است. کار به جایی رسیده است که ممکن است بقیمت گل نزدن احتمالی تیم ایران به کره جنوبی در روز تاسوعا، کنسل کردن این بازی را که باخت تیم ایران محسوب خواهد شد بجان بخرند. فدراسیون بین‌المللی فوتبال نیز حاضر به تغییر زمان این مسابقه نیست.

وحشت و هراس مقامات جمهوری اسلامی از برگزاری این مسابقه که می‌آید تیم ایران با زدن یک گل ناقابل مردم را به شادی و ریختن به خیابانها و آوار کند صد چندان شده است. مردم بدست و بحق بدنبال هر بهانه‌ای هستند که در پرتو آن نه تنها شادی، رقص و پایکوبی شان را بصورت هزاران نفره در خیابانها و میداین شهرها ابراز کنند بلکه این مناسبتها و این اتفاقات را فرصتی میدانند که همزمان با شادی و رقص، خشم عمیق خود از نکبت اسلامی و تعرض به پیکره کل نظام را بنمایش بگذارند.

اما تنها موضوع فوتبال و گل زدن احتمالی تیم ایران به تیم حریف نیست که سپاه و بسیج، فسیل‌های اسلامی تا خامنه‌ای را دچار وحشت کرده است. عطش برگزاری کنسرت

عبدل گلپریان

در شهرهای شاخصی چون قم و مشهد نیز داد مقامات را که خواب راحت از چشمانشان رخت بر بسته در آورده است. دعوای جناحهای رژیم بر سر اجرا و عدم اجرای کنسرتها، حمله به مهمانی‌های زنان، مردان و جوانان در این دو شهر گویای این است که برای امام زاده‌های امام زمان اکنون دیگر کسی تره هم خورد نمیکند.

حکومتی که با توحش و بربریت تمام عیار، با بیش از سه دهه اعمال، زندان، اعدام، شکنجه، دزدی و چپاول هستی جامعه علیه مردم خشمگین، سرپا ایستاده است، حکومتی که بیخ گوش فتوا دهندگان و عریده‌کشان اسلامی، قوانین و احکام اسلامی اش در قم و مشهد و دیگر شهرها به ریشخند گرفته میشود، حکومتی که با بیرون افتادن یک تار موی زن کیان اسلامش بر باد می‌رود و بالاخره حکومتی که با یک شوت در فوتبال و ابراز شادی و فواران خشم فرو خورده مردم پایه‌هایش دچار ریزش میشود را باید انداخت. جمهوری اسلام حکومتی پوشالی و کاغذی است که حتی با گسترش رقص و شادی در خیابانها، با تداوم مهمانی‌های مختلط زنان و مردان و جوانان دختر و پسر، با گسترش و همگانی شدن روز افزون دوچرخه سواری و نمایان شدن هر چه بیشتر اشعه موی زنان میتوان آنرا انداخت. چنین فضایی در جامعه ایران پاشنه آشیل حکومت اسلامی داعش در ایران است که خواب را از چشمان همه مقامات اسلامی ربوده است. چه کسی میداند شاید یک گل نقطه آغاز فروپاشی نظام اسلامی باشد.

۱۳ اکتبر ۲۰۱۶

وقی یک زن میگوید: اسلام زن سئیز نیست!!



صاحبیت تصویر بنام "محبوبه عباسقلی زاده" که خود را فعال

جنبش زنان میدانند طی مناظره ای در رادیو فردا بتاريخ جمعه ۳۰ سپتامبر ۹ مهر ماه در پاسخ به ستوالی مبنی بر زن سئیزی در اسلام و قرآن اظهار داشت:

"اسلام زن سئیز نیست بلکه مردسالار است و آنجا که مردسالاری هم هست قرآن گفته که مرد خانواده عدالت را رعایت کند. و اگر مرد این عدالت را رعایت کند مشکلی نیست."

ایشان در پاسخ گرداننده مناظره که از او پرسید نظر شما در مورد کتک زدن زنان که در اسلام و قرآن یک اصل است چه می‌گویید؟ پاسخ داد: "قرآن گفته که زن لطیف است، اگر هم خواستی او را تنبیه کنی همچون یک بچه او را تنبیه کن."

جالب این است که محبوبه عباسقلی زاده بعنوان "فعال حقوق زنان" ایفای نقش میکند. ایشان، شیرین عبادی و دیگر "فعالان حقوق زنان" از این طیف با چنین ژستی که به خود می‌گیرند نه تنها قادر نخواهند بود گلی به سر زنان که در پرتو اسلام و قرآن وجودشان انکار میشود بزنند بلکه با همین درک از اسلام و قرآن زندگی تحقیر آمیزی را برای خود رقم زده اند.

این طیف اسلام زده و بشدت عقب مانده اگر اسم خود را "فعالان حقوق زنان" نمی‌گذاشتند مشکلی نبود و میشد به آنان گفت لطفا این همه تحقیر در زندگی خود را نپذیرید اما ظاهر شدنشان در پز "مدافعان حقوق زنان" و با چنین درک و تعلقتی که از اسلام ارائه میدهند و دارند، خدمت بزرگی به اسلام و قرآن میکنند و همزمان تلاش آنان یعنی تداوم انقیاد زن در حیطه احادیث و اراجیف اسلامی. اینها سره سوزنی به مدافعان حقوق زنان تعلق ندارند بلکه مدافعان راستین خزعبلات ضد زن در اسلام و قرآن هستند.

۳۰ سپتامبر ۲۰۱۶



از صفحه ۱ میروان یکبار دیگر...



دولت و مقامات حکومت در میروان موظف هستند و باید تضمین دهند که خواستهای مردم میروان و خواستهای کمپین اعتراضی آنان برای استاندارد نمودن جاده میروان را هر چه زودتر عملی و به اجرا بگذارند.

میروان در ادامه مجموعه کمپینهای اعتراضی همچون حرکت زنان سرخ پوش، گسترش و نهادینه کردن دوچرخه سواری زنان، حمایت و حفاظت از محیط زیست، برگزاری تاتر اعتراضی خیابانی، احساس مسئولیت در قبال جان شهروندان و حرکتهای بسیاری از این دست، یکبار دیگرهم درخشید. مردم میروان میتوانند و باید همچنان بر روی

خواست و تصمیم شان بر ادامه کمپین اعتراضی خود پای فشرده و تا متحقق شدن خواستهایشان از طریق فراخوان اعتصاب، افزایش هر چه بیشتر امضاها و دیگر راهکارهای مختلف به حرکت اعتراضی خود ادامه دهند. جمهوری اسلامی و مقامات مفتخور و انگل این حکومت را تنها با اعتراضات و اعتصابات گسترده و متحدانه میتوان به زانو در آورد.

۱۴ مهر ۹۵

۵ اکتبر ۲۰۱۶



با عبور از این مسیر نفت وارد بازارهای جهانی میشود. سود و سرمایه حاصله از خرید و فروش نفت و گاز و با استفاده از این جاده به جیب مقامات حکومت اسلامی و سران احزاب حاکم بر کردستان عراق سرازیر میشود. در حالیکه کاربدستان جمهوری اسلامی، مقامات و مسئولان مفتخور این حکومت از قبل تجارت و خرید و فروش نفت و گاز در این مسیر به ثروتهای نجومی دست یافته اند، این شهروندان ساکن میروان هستند که با گرفته شدن جانشان در جاده‌ای که قتلگاه نام گرفته است تاوان چپاول این غارت و سود جویی آنان را میپردازند.

بنا به خبر ایرنا در میروان، عصر روز سه شنبه و در ادامه گسترش تظاهرات و تجمع اعتراضی مردم این شهر، استاندار کردستان اعلام کرد که: "۱۳۰ میلیارد تومان با تخصیص قطعی برای تکمیل جاده جدید سندج - میروان تخصیص یافته است." اظهارات استاندار کردستان و وعده‌های فرماندار میروان نشان میدهد که کاربدستان رژیم بشدت از اوج و گسترش تظاهرات، تجمع و اعتراضات در روزهای بعد به وحشت افتاده اند. گفته‌های استاندار کردستان یک عقب نشینی برای حکومت اسلامی و یک موفقیت برای کمپین اعتراضی مردم میروان محسوب میشود اما هنوز کافی نیست.

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!